



دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده حقوق

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی حقوق  
گرایش حقوق جزا و جرم‌شناسی

عنوان پایان‌نامه:

# تحلیل کیفی‌های حدی بر مبنای فقه مقاصدی؛ ضرورت‌ها، ظرفیت‌ها و پیامدها

نام دانشجو:

محمد مهدی صادقی

استاد راهنما:

دکتر سید درید موسوی مجاب

اسفندماه ۱۳۹۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسمه تعالی  
تاییدیه اعضای هیات داوران

آقای محمدمهدی صادقی به شماره دانشجویی ۹۷۱۳۳۰۱۰۰۸ رشته حقوق جزا و جرم شناسی پایان نامه خود را با عنوان: تحلیل کیفیهای حدی بر مبنای فقه مقاصدی؛ ضرورت ها، ظرفیت ها و پیامدها در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۶ ارائه کردند.

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان نامه را از نظر فرم و محتوا بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد تایید می نمایند.

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیات داوران
	استادیار	دکتر سیددرید موسوی مجاب	استاد راهنما
	استادیار	دکتر روح الدین کرد علیوند	استاد داور داخلی
	دانشیار	دکتر رحیم نوبهار	استاد داور خارجی
	استادیار	دکتر روح الدین کرد علیوند	نماینده شورای تحصیلات تکمیلی

## آیین‌نامه‌ی حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

**مقدمه:** با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسان‌ها که لازمه‌ی شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می‌باشد؛ ولی حقوق معنوی پدیدآورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد؛ ولی مسؤلیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می‌باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی به صورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده‌ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده‌ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب **محمد مهدی صادقی** دانشجوی رشته **حقوق جزا و جرم‌شناسی** ورودی سال تحصیلی **۱۳۹۷** مقطع **کارشناسی ارشد** دانشکده‌ی **حقوق** متعهد می‌شوم کلیه نکات مندرج در آئین‌نامه‌ی حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین‌نامه‌ی فوق‌الاشعار به دانشگاه و کالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع به نام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدین‌وسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم».

امضا

تاریخ: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵



## آیین نامه‌ی چاپ پایان‌نامه (رساله)‌های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان‌نامه (رساله)‌های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیت‌های علمی - پژوهشی دانشگاه است، بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش‌آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می‌شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان‌نامه (رساله)ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان‌نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی است که در سال

۱۳۹۹ در دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی جناب آقای دکتر سید دُرید موسوی مجاب از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه‌های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می‌تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می‌کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می‌تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می‌دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتاب‌های عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب محمدمهدی صادقی دانشجوی رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می‌شوم.

نام و نام خانوادگی: محمدمهدی صادقی

تاریخ و امضا: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵





دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده حقوق

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی حقوق  
گرایش حقوق جزا و جرم‌شناسی

عنوان پایان‌نامه:

# تحلیل کیفی‌های حدی بر مبنای فقه مقاصدی؛ ضرورت‌ها، ظرفیت‌ها و پیامدها

نام دانشجو:

محمد مهدی صادقی

استاد راهنما:

دکتر سید درّید موسوی مجاب

اسفند ۱۳۹۹

## تقدیر و تشکر

شکر شایان نثار ایزد مَنان که توفیق را رفیقِ راهم ساخت تا این پایان‌نامه را به پایان برسانم. از استاد فاضل و اندیشمند جناب آقای دکتر سید درید موسوی مجاب که همواره نگارنده را با راهنمایی‌های دقیق و عالمانه مورد لطف و محبت خود قرار داده‌اند، کمال تشکر را دارم. هم‌چنین از اساتید گرامی و ارجمند جناب آقای دکتر رحیم نوبهار و آقای دکتر روح‌الدین کردعلیوند که زحمت داوری این پایان‌نامه را به عهده داشتند، سپاسگزارم.

آسمانه که مخطه بايم سرشار از حسن ناب نوشتن بود، توانستم بنويسم و آسمانه که آن آغاز، اين انجام شد، تازه دانستم کاین سخن به هزار هزار بايد نوشت:

این اثر ناپهيز، خيلى ناپهيز و شايد هجج

تقديم به ساحت مادرم؛

الهي که خدا او را از خاک آفريد تا بعد از باران، تش ميري باشد براي سجده لب بايم

و صبر و ياري اش سخني نيم سحرگايان باشد در سختي سفرم

و پيشش به پيشگاه پدرم؛

او که در آبي مباحش آرميدم و در آسمان وجودش پر و بال گرفتيم

بزرگ مردی که بهشت زير پايش نيست؛ اما با الفباي عشق، معما ز راز زيبستم گشود

تکيه گاهي که کشتي زندگي را از ميان موج هاي ستمگين روزگار، به ساحل امن رويابايم رساند

اينک که گرمای پر مهر وجودشان، رمز موفقيت من شد،

ما حصل تمام سال هاي تحصيل؛ اين راه نارفتي ناتمام

شار مباحشان...



## چکیده

دو خوانش فقهی در مورد کیفرهای حدی وجود دارد؛ خوانش نخست با نگاهی تبعیدی و نص محور به حدود، هر گونه تغییر، تبدیل یا عدم اجرای این مجازات‌ها را جز در شرایطی خاص و موقتی منع می‌نماید و عقل را در فهم اهداف نهفته در تشریح این کیفرها ناتوان و اجرای حدود را در عصر حاضر به همان شیوه‌ای که در زمان معصومان رایج بوده است، ضروری می‌داند. رویکرد غالب بر کتاب حدودِ قانون مجازات اسلامی مبتنی بر این خوانش است. دومین خوانش، رویکرد مقاصدی است که بر اساس آن حدود دارای اهداف و مقاصدی‌اند که عقل آدمی از طریق کاربری برخی سازکارها توان فهم و کشف آن‌ها را دارد. از جمله‌ی این سازکارها استقرا، کشف مناطات احکام، دلالت‌های اقتضا، ایما و اشاره هستند. پس از کشف مقاصد شارع از تشریح حدود می‌توان شاخص‌هایی را برای تدوین یک نظام کیفرگذاری مقصدگرا ارائه داد. این شاخص‌ها صرفه جویی کیفری، تقدم ترمیم بر مجازات با افتراقی نمودن ادله‌ی اثبات، به کارگیری نهادهای ارفاقی و توجه به اهداف مجازات را دربرمی‌گیرد. تحولات انجام یافته در حوزه‌ی کیفرگذاری‌های حدی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ حکایت از عدم توجه بایسته به شاخص‌های یاد شده دارد؛ شاخص‌هایی که کاربری آن‌ها می‌تواند در دو سطح تقنینی و قضایی پیامدهایی را به دنبال داشته باشد. این پیامدها دربرگیرنده‌ی مواردی همچون عقلانی‌سازی نظام مجازات در پرتو تحول ارزش کیفری، همسویی کیفرهای حدی با موازین حقوق بشری و رفع چالش کارآمدی کیفرگذاری حدی در سطح تقنینی و ارائه‌ی الگوی کارآمد برای کیفردهی، اجتناب از ابزارگرایی کیفری محض و نهادینه سازی اندیشه‌ی حق بر مجازات نشدن در دادرسان در سطح قضایی است. پژوهش حاضر از جهت هدف، بنیادی نظری، توصیفی و مقایسه‌ای، از جهت ماهیت، کیفی و از لحاظ روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** اجرای حدود، فقه سنتی، قانون مجازات اسلامی، سازکارهای کشف مقاصد، شاخص‌های کیفرگذاری

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### مقدمه و کلیات پژوهش

۱	۱. مقدمه.....
۲	۲. کلیات طرح پژوهش.....
۲	۱-۲. بیان مسأله.....
۷	۲-۲. پرسش‌های پژوهش.....
۷	۳-۲. فرضیه‌های پژوهش.....
۷	۴-۲. ضرورت و اهمیت انجام پژوهش.....
۸	۵-۲. اهداف پژوهش.....
۹	۱-۵-۲. اهداف نظری.....
۹	۲-۵-۲. اهداف کاربردی.....
۹	۶-۲. پیشینه‌ی ادبیات پژوهش.....
۱۰	۱-۶-۲. پیشینه‌ی داخلی.....
۱۱	۲-۶-۲. پیشینه‌ی خارجی.....
۱۲	۷-۲. روش پژوهش.....
۱۳	۸-۲. مشکلات و محدودیت‌های پژوهش.....
۱۴	۹-۲. سامان‌دهی پژوهش.....

### فصل نخست: چارچوب مفهومی و بنیان‌های نظری

۱۷	مبحث نخست: چارچوب مفهومی.....
۱۸	۱-۱. حدود.....
۱۹	۲-۱. گونه‌شناسی حدود.....
۲۲	۳-۱. مقاصد شریعت.....
۲۴	۱-۳-۱. اقسام مقاصد شریعت.....
۲۷	۲-۳-۱. منابع مقاصد شریعت.....
۲۷	۱-۲-۳-۱. منابع نقلی.....
۲۹	۱-۲-۳-۱. منبع عقلی.....

۳۱	۴-۱. اجتهاد.....
۳۴	مبحث دوم: پیشینه‌ی اجتهاد مقاصدی.....
۳۷	۱-۲. اجتهاد مقاصدی در میان فقهای عامه.....
۳۸	۲-۲. اجتهاد مقاصدی در میان فقهای شیعه.....
۳۹	۱-۲-۲. رویکرد افراطی.....
۴۰	۲-۲-۲. رویکرد تفریطی.....
۴۰	۳-۲-۲. رویکرد اعتدالی.....
۴۱	۳-۲. اجتهاد جواهری و اجتهاد مقاصدی؛ تنافی یا سازگاری؟.....
۴۵	مبحث سوم: راه‌های کشف مقاصد.....
۴۷	۱-۳. استقرار.....
۴۸	۲-۳. تنقیح مناط و الغای خصوصیت.....
۴۹	۳-۳. تحقیق مناط.....
۴۹	۴-۳. تخریج مناط.....
۵۰	۵-۳. دلالت اقتضاء.....
۵۰	۶-۳. دلالت ایما.....
۵۱	۷-۳. دلالت اشاره.....

## فصل دوم: تحول سنجی کیفرگذاری حدی از چشم‌انداز شاخص‌های کیفرگذاری مقصدگرا

۵۳	مبحث نخست: شاخص‌های کیفرگذاری.....
۵۴	۱-۱. صرفه جویی کیفری.....
۵۸	۲-۱. تقدم ترمیم بر مجازات با افتراقی نمودن ادله‌ی اثبات.....
۷۰	۳-۱. بکارگیری نهادهای ارفاقی.....
۷۵	۴-۱. توجه به اهداف مجازات.....
۹۰	مبحث دوم: تحولات کیفرگذاری‌های حدی.....
۹۰	۱-۲. جرم زنای محصنه.....
۹۴	۲-۲. جرم لواط.....
۹۷	۳-۲. جرم قوادی.....

- ۴-۲. جرم سرقت..... ۱۰۲
- ۵-۲. عدم اجرای حد بر افراد نابالغ کمتر از هجده سال..... ۱۰۵
- ۶-۲. تعدد مادی حدود نامشابه..... ۱۰۷

## فصل سوم: پیامدهای کاربست شاخص‌های کیفرگذاری حدی مقصدگرا

- مبحث نخست: پیامدهای تقنینی..... ۱۱۱
- ۱-۱. عقلانی‌سازی نظام مجازات‌ها در پرتو تحول ارزش کیفر..... ۱۱۱
- ۲-۱. همسویی کیفرهای حدی با موازین حقوق بشری..... ۱۱۸
- ۳-۱. رفع چالش کارآمدی کیفرگذاری حدی..... ۱۲۷
- مبحث دوم: پیامدهای قضایی..... ۱۳۳
- ۱-۲. ارائه‌ی الگوی کیفردهی در راستای فردی‌سازی قضایی..... ۱۳۴
- ۲-۲. اجتناب از ابزارگرایی کیفری محض..... ۱۴۱
- ۳-۲. نهادینه‌سازی اندیشه‌ی حق بر مجازات نشدن در دادرسان..... ۱۴۵

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

- نتیجه‌گیری..... ۱۵۱
- پیشنهادها..... ۱۵۴
- نمودارها..... ۱۵۷
- فهرست منابع..... ۱۶۱
- چکیده‌ی انگلیسی..... ۱۷۹

## "مقدمه و کلیات طرح پژوهش"

## ۱. مقدمه

ارتکاب برخی از رفتارهای ممنوع در حقوق کیفری اسلام موجب اجرای مجازات معین و ثابتی تحت عنوان "حد" بر فاعل آن رفتار می‌شود. این مجازات‌ها پیش از طلوع اسلام در شبه جزیره‌ی عربستان و سرزمین‌های مجاور آن تحت همین عنوان وجود داشتند و نسبت به مرتکبان برخی از جرایم اجرا می‌شدند. پس از ظهور اسلام این کیفرها با تغییرات جزئی از سوی شارع امضا شدند و چه بسا دلیل این امضا نیز تأثیر این مجازات‌ها در برقراری بهتر امنیت اجتماعی در میان جامعه‌ی عرب عصر نزول بوده باشد.

فقها با احکام کیفری امضایی اسلام از جمله حدود، با نگاهی قدسی و تعبدی برخورد نمودند و با این تصور که هر چه از شارع نازل می‌شود، ثابت و تغییرناپذیر و درک فلسفه‌ی آن غالباً از توان بشر خارج و امثال آن در هر شرایطی بر بندگان واجب است، در کتب روایی خویش ذیل باب حدود، روایاتی از معصوم با این مضمون که اجرای حدود از چهل شبانه روز بارش باران بهتر است، هیچ‌گونه تأخیر، شفاعت و کفالت در حدود راه ندارد و تعطیل آن در هیچ شرایطی جایز نیست،<sup>۱</sup> نقل نمودند و منظور از حدود را کیفر معین شرعی تلقی و یک نوع نگاه افتراقی میان حدود و سایر کیفرها حاکم نمودند.

پس از تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران فقهای متولی امر تقنین با تکیه بر خوانش سنتی فوق از حدود فارغ از تفاوت شرایط زمانی صدور آن فتاوا و نیز فرهنگ حاکم بر شبه جزیره‌ی عربستان با شرایط زمانی عصر حاضر به تدوین مقررات حدود پرداختند. براینکه این امر چیزی جز تغییر چندباره‌ی احکام قانونی حدود و استیصال مقننی که از یک سو دل در گرو خوانش سنتی از نصوص شرعی بسته و از سوی دیگر باید پاسخگوی نهادهای بین‌المللی در مورد نوانسانی و خلاف بشری تلقی نمودن چنین خوانشی از حدود باشد، نبوده است.

---

۱. عاملی، شیخ حر؛ ۱۴۱۴ق.، **وسائل الشیعة**، جلد بیست و هشتم، چاپ دوم، قم: مؤسسه‌ی آل‌البیت، صص ۱۲، ۴۳، ۴۴، ۴۷.  
- نوری طبرسی، میرزا حسین؛ ۱۴۰۹ق.، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، جلد هجدهم، چاپ سوم، قم: مؤسسه‌ی آل‌البیت، صص ۲۴، ۲۵.

خوانش فقهی دیگر در این میان که اجتهاد مقاصدی نام دارد، با ابتنا بر اهداف کلان شریعت، به اجتهاد در اهداف دین ضمن اجتهاد در احکام دین می‌پردازد و معتقد است که درک صحیح نصوص شرعی از جمله نصوص کیفری آن‌گاه میسر می‌شود که متکفل امر استنباط، خود را در چارچوب متن بی‌روح و منجمد محدود نکند و همواره نصوص را در پرتو مقاصد تفسیر کند؛ زیرا مقاصد شریعت نظیر عدالت، کرامت انسانی، احتیاط در خون و غیره همواره ثابتند و نتیجه‌ی تلاش در جهت سازواری قوانین کیفری با آن‌ها با توجه به اقتضائات هر دوره پایبندی به نصوص شرعی و تدوین قوانینی کارآمد در شرایط حاضر می‌باشد. بر این اساس تنظیم نظام کیفرگذاری حدی با مقاصد شریعت حائز اهمیت می‌باشد.

## ۲. کلیات طرح پژوهش

### ۱-۲. بیان مسأله

بر اساس دیدگاه رایج میان فقها، حدود، مجازات‌های معینی هستند که نوع و میزان آن‌ها در شرع مشخص شده است؛ به گونه‌ای که نمی‌توان بر میزان آن‌ها افزود یا از میزان آن‌ها کاست. اجرای چنین مجازاتی نیز اصولاً تعطیل‌بردار نیست و در هر شرایطی باید اجرا شود؛ چرا که صلاح و فلاح جامعه‌ی اسلامی در اجرای حدود نهفته است. بر این اساس، پرسش‌هایی قابلیت طرح پیدا می‌کنند. آیا خوانش فوق از حدود، تنها خوانش موجود است؟ آیا شارع همانند فقهای شیعه نگاه آرمانی و حداکثری به حدود دارد؟ شرایط زمانی و مکانی‌ای که خوانش سنتی از حدود در ذهن فقها ساخته و پرداخته شد، چگونه بود؟ آیا ایشان در یک جامعه‌ی متکثر و مدرن نشو و نما یافتند و در فضای ظهور و حضور مفاهیم مدرن حقوق بشری تنفس نمودند؟ فقهای معظم شورای نگهبان تا چه اندازه به دانش‌هایی چون جرم‌شناسی، کیفرشناسی، اقتصاد، جامعه‌شناسی، تاریخ حقوق کیفری، جامعه‌شناسی کیفری و جنایی و غیره آگاهی داشته یا دارند؟ اگر بپذیریم که تشریح حدود برای تحقق اهدافی بوده که اجرای شکل خاصی از آن همواره تحقق بخش آن اهداف نیست، چه باید کرد؟ اجرای حدود طی چهار دهه در ایران چه

آثار و برکاتی برای کشور داشته و تا چه میزان از ارتکاب جرایم مستوجب حد در جامعه کاسته شده است؟ این پرسش‌ها و پرسش‌های تأمل‌پذیر دیگر از جمله دغدغه‌هایی است که پژوهش حاضر متکفل بحث از آن است.

شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی در ایران موجب شد تا ضرورت جرم‌انگاری و کیفرگذاری در گستره‌ی حدود توجه قانون‌گذار را به خود جلب نماید. این کیفرهای شرعی نظیر قطع عضو، شلاق، اعدام و رجم که غالباً شدید، جسمانی و محقق هدف سزادهندگی‌اند، به همین شکل وارد کتاب حدود قانون مجازات اسلامی گشته و به تعبیری این بخش از قانون بیشتر ترجمه‌ی کتب فقهی می‌باشد. با این وجود، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به مثابه واپسین اراده‌ی قانون‌گذار در بخش حدود دستخوش تحولاتی شده است.

تعداد جرایم مستوجب حد نسبت به قانون مجازات سابق افزایش یافته است. در نتیجه به عنوان نمونه جرم افساد فی الارض از محاربه تفکیک شده و مقنن با وضع ماده‌ی ۲۸۶ به این جرم هویتی مستقل بخشیده است. بر این اساس افساد فی الارض مجموعه‌ای از اعمال مجرمانه‌ی مستوجب حد، قصاص یا تعزیر را دربرمی‌گیرد که به طور گسترده ارتکاب یافته و آثار زیان‌بارِ شدید، عمده و وسیع به جای می‌گذارند. نخستین چالش از همین‌جا سربرمی‌آورد که مقنن هیچ ضابطه و سنجه‌ای برای تشخیص شدید، عمده یا وسیع بودن ارائه نداده است و این موضوع امکان برخورد سلیقه‌ای دادرسان با متهمان و ذبح عدالت قضایی به پای مصلحت قانونی را به ذهن تداعی می‌کند.

اقدام دیگر در زمینه‌ی جرم انگاری، حد انگاری بغی می‌باشد. بغی که به عنوان شورش علیه امام عادل یا معصوم شناخته می‌شود، در کتاب جهادِ فقها مطرح شده و ایشان این عمل را جرم حدی و یا جرم به حساب نمی‌آورند. با این حال مقنن در اقدامی تأمل‌برانگیز قیام مسلحانه‌ی گروهی در برابر حکومت اسلامی را به عنوان بغی با ضمانت اجرای اعدام جرم شناخته است. مقنن با این جرم انگاری‌های مصلحتی علی‌الادعا و خارج از ضوابط و چارچوب‌های فقهی و به تبع آن بسط دامنه‌ی حقوق کیفری، به دنبال تحقق چه اهدافی و به نفع چه کسانی بوده است؟ مردم؟ دستگاه حکومت؟ یا هر دو؟ این جرم انگاری‌ها چه نسبتی با اصولی نظیر حداقلی بودن حقوق کیفری یا استفاده از ابزار جرم انگاری و کیفرگذاری به مثابه آخرین راهکار دارند؟



جنبه‌ی دیگر تحولات قانونی کتاب حدود، مربوط به حوزه‌ی کیفرگذاری می‌باشد. در این زمینه مقنن ظاهراً سیاستی انقباضی در پیش گرفته و مبادرت به تعدیل کیفرهای حدی نموده است. این تعدیلات گاه به صورت تخییری ساختن مجازات‌های حدی نظیر تخییر میان اجرای رجم یا اعدام و تازیانه با حصول شرایطی در جرم زنا، محصنه، گاهی با وضع کیفر اخف و متفاوت از آنچه مشهور فقهای شیعه برای جرمی تعیین نموده‌اند، نظیر جرم لواط و حتی در برخی مواقع با تعطیلی اجرای حدود مانند تعطیلی اجرای حدود نسبت به افراد بالغ کمتر از هجده سال تمام و یا تعطیلی اجرای حدود خفیف‌تر در فرض تعدد با حدود شدیدتر جلوه‌گر شده است. با وجود چنین سیاست انقباضی‌ای، هم‌چنان برخی از نهادهای ارفاق‌آمیز و مصلحت‌محور کیفری که بکارگیری آن‌ها تأخیر در اجرای حدود و یا تعطیلی آن را به دنبال دارد، مانند تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، مرور زمان‌پذیری جرایم و غیره به این قانون راه نیافته‌اند. همین دوگانگی در اتخاذ رویکرد انقباضی در کیفرگذاری‌ها پرسش از آبشخور فکری و فقهی مقنن را در پی دارد؛ مسأله‌ی مهمی که نباید از کنار آن به سادگی گذشت. از این رو کنکاش در زوایای پیدا و پنهان تحولات انجام یافته و نهادن آن در ترازوی خوانش‌های فقهی متفاوت دیگر از نصوص دینی امری بایسته است.

یکی از این خوانش‌های فقهی، فقه مقاصدی می‌باشد که به موجب آن احکام شرعی برای تحقق مقاصد و اهدافی تشریح شده‌اند و وظیفه‌ی فقیه آن است که در فرایند استنباط احکام به این مقاصد نظر بیفکند و نصوص را در پرتو آن‌ها تفسیر نماید. چنین فقهی در آغاز به صورت یک روش اجتهادی منسجم در فقه اهل سنت ظهور نموده و ضوابط آن از سوی علمای اهل سنت تدوین گشته و هر چند گاهی ردپای چنین اجتهادی را می‌توان در فتاوی فقه‌های شیعه ملاحظه نمود، بنا به دلایلی هرگز به صورت یک دانش فقهی مدون از سوی ایشان مطرح نبوده است. از جمله‌ی این دلایل عبارتند از اعتقاد به ظنی بودن مقاصد شریعت، خطر فراروی از نصوص شرعی و به تبع آن افتادن در ورطه‌ی عرفی سازی و تخته بند مصلحت بشری کردن فقه، عدم اعتبار مصالح مرسل و رهاشده از بند نصوص شرعی، عدم حجیت قیاسات فقهی به مثابه یکی از زیربنای ساز کارهای مقاصد شریعت و غیره.

با وجود ایرادهای مطروحه، این واقعیت کتمان‌پذیر نیست که کاربست رویکرد مقاصدی در تفسیر نصوص کیفری باعث پویایی این کیفرها با شرایط روز می‌شود؛ زیرا اگر متون شرعی بویژه متون کیفری بی‌توجه به برآورده ساختن اهداف، نیازها و خواسته‌های روز بشر تفسیر و توجیه شوند، به دلیل نشستن غبار کهنگی بر آن‌ها و جاماندگی از تحولات و پیشرفت‌های عصر، علیرغم توانایی در تحقق اهداف شریعت در دوره‌ی صدورشان، ممکن است ناتوان از تحقق آن اهداف جلوه کنند. برخی از ایرادات اخیرالذکر نظیر ظنی بودن مقاصد به اجتهاد سنتی نیز وارد است؛ چرا که احکام حاصل از چنین اجتهادی، همواره واقعی و مقصود اصلی شارع نیست که اگر چنین باشد، آن وقت این همه آرای متعارض فقیهان به وجه تناقض یا تضاد را چگونه باید به شارع منتسب نمود؟ آیا شارع العیاذ بالله نظرات متناقض و متضاد صادر می‌کند؟ چنین نیست، بلکه فقه، فارغ از خوانش سنتی یا مقاصدی بودن، یکسره فهم فقها از نصوص شرعی است و به تعداد فقها فهم‌ها و نظرات وجود دارد. حال که ذات هر دو اجتهاد، ظنی است، با کدام دلیل منطقی یکی را که قرائن، اوضاع و احوال و تجربه‌ی چهار دهه تقنین فقه، نشان از ناتوانی آن در تحقق مقاصد کیفری شریعت دارد، برگزینیم و مبنای تقنین قرار دهیم و دیگری که داعیه‌ی تحقق مقاصد فوق را دارد، به دیوار بزنیم؟ به عنوان نمونه از میان این دو نظر فقهی که با حدوث جنون، حد ثابت شده ساقط نمی‌شود (به دلیل استصحاب عدم سقوط حد که کاشف از حکم واقعی نیست) و لذا مجنون در زمان دیوانگی‌اش باید محدود شود (تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۱۵۰ ق.م.ا.) و اجرای حدود برای تحقق اهدافی نظیر بازدارندگی است و این هدف منوط به عاقل و مُدرک بودن محکوم است، وگرنه اجرای کیفر مفسده‌انگیز بوده و هیچ هدفی را محقق نمی‌گرداند، کدام یک با روح کلی حاکم بر احکام شریعت اسلام و نیز اندیشه‌ی انسانِ امروزی سازوارتر است؟ تصلّب و جزم‌اندیشی بر یک خوانش خاص و آرمانی از حدود یا خوانشی که چشم بر واقعیات فرو نبسته و قضاوت ناظران داخلی و بین‌المللی اجرای حدود را نسبت به احکام دین اسلام در نظر گرفته است؟ برای جلوگیری از عرفی شدن فقه نیز می‌توان ضوابطی را تعیین نمود. در این رابطه برخی از فقهای شیعه از خوانش‌های متعددی

بر محوریت مقاصد در ارتباط با نصوص سخن گفته‌اند<sup>۱</sup> که ضمن مقصدنگری می‌توان فقه مقاصدی را از خطر عرفی شدن دور ساخت.

تقنین فقه و اجرای حدود در کشور با توجه به شرایط تحول یافته‌ی جهانی و زیر ذره بین نهادهای بین‌المللی بودن احکام کیفری اسلام چندان بدون حاشیه نبوده و هزینه‌های سنگینی را بر دین اسلام و جامعه‌ی اسلامی تحمیل نموده است. یکی از چالش برانگیزترین این حواشی، مغایرت با هنجارها و موازین حقوق بشری بوده که فارغ از ارائه‌ی تصویری خشن و متوحش از اسلام و مسلمین، کشور را تحت شدیدترین تضيیقات و تحریم‌های حقوق بشری قرار داده است.<sup>۲</sup> حتی وجود کیفرهایی هم‌چون سنگسار در قانون مجازات اسلامی موجب شده تا دادرسان و مجریان عدالت کیفری با وجود حکم قانونی در این باره، در عمل تمایل چندانی به اثبات جرم و به تبع آن صدور حکم محکومیت نداشته باشند؛ تا جایی که حتی در برخی از موارد که این احکام صادر می‌شده، اجرای آن با مداخله‌ی فقهای معظم و مسؤولان قضایی متوقف می‌شده است.<sup>۳</sup> چرا که ایشان مضار اجرای احکام فقهی کیفری را بیشتر از منافع آن می‌دیدند و به تعبیری به این نکته‌ی مهم پی برده بودند که احکام کیفری شریعت از جمله حدود، برای تحقق مقاصدی تشریح شده‌اند که شکل تحقق بخشیدن به آن مقاصد طریقت دارد.

چه بسا همین عوامل سبب شد که در سال ۱۳۹۲ ش. قانون‌گذار ایرانی مجاب شود تا به شرحی که پیشتر گذشت، نظام کیفرگذاری‌های حدی را متحول نماید و دست به تغییراتی در این حوزه بزند. تغییراتی که باید در مورد میزان توفیق آن‌ها در برآورده ساختن مقاصد شریعت به داوری نشست و این مهم رسالت پژوهش حاضر است.

۱. ر.ک.

- علیدوست، الوالقاسم؛ ۱۳۹۶ ش، **فقه و مصلحت**، چاپ چهارم، تهران: سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، صص ۳۹۴-۳۶۲

۲. برای نمونه بنگرید به تصویب قطعنامه محکومیت نقض حقوق بشر در ایران در مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۶ دسامبر سال ۲۰۲۰ م.

۳. برای نمونه به نامه‌های حضرات آیت الله صانعی(ره)، بهجت(ره) و مکارم شیرازی به رییس قوه‌ی قضائیه در سال ۱۳۸۶ در مورد غیرشرعی بودن اجرای سنگسار درباره‌ی متهمان پرونده‌ی تاکستان در تارنمای زیر رجوع نمایید:

<https://www.tabnak.ir/fa/news/8072/>

## ۲-۳. پرسش‌های پژوهش

۱. تحلیل کیفرهای حدی بر اساس رهیافت فقه مقاصدی چه نتایجی به دنبال دارد؟
۲. چه ضرورتی، قانون‌گذار را بر آن می‌دارد که در گستره‌ی کیفرهای حدی، اجتهاد مقاصدی را دنبال نماید؟
۳. ظرفیت‌های مهم فقه مقاصدی در تحلیل کیفرهای حدی کدام‌اند؟

## ۲-۴. فرضیه‌های پژوهش

۱. مقصداندیشی، غایت‌نگری و فراروی از ظاهر نصوص در استنباط احکام مرتبط با کیفرهای حدی، تحقق اهداف و مصالح مورد نظر شارع از تشریح و اجرای آن کیفرها را به دنبال دارد.
۲. اجراپذیری برخی از کیفرهای حدی طی سال‌های اخیر و تزلزل و بی‌ثباتی مبنایی مقنن در این زمینه، ضرورت توجه هرچه بیشتر قانون‌گذار را به فقه مقاصدی ایجاب می‌نماید.
۳. مصلحت‌اندیشی ضابطه‌مند، توجه به اهداف شارع، رویکرد غیر تعبدی به کیفرهای حدی و تمسک به قواعد فقهی وجوب حفظ نظام اسلامی، جلوگیری از تنفیر از دین و غیره از ظرفیت‌های مهم فقه مقاصدی در تحلیل کیفرهای حدی است.

## ۲-۴. ضرورت و اهمیت انجام پژوهش

اجرا یا عدم اجرای کیفرهای حدی همواره معرکه‌ی آرا و نظریات گوناگون بوده است. دیدگاه رسمی و حاکم همواره با تقدیس این کیفرها آن‌ها را یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی تلقی و به اجرای حداکثری آن اهتمام ورزیده و لحظه‌ای حاضر به توقف اجرای آن نشده است. این موضوع اما چالش‌هایی را در عرصه‌ی داخلی و بین‌المللی، از توقف اجرای گاه و بیگاه آن به دلیل وهن دین و شین مذهب تا فشارها و تحریم‌های حقوق بشری و ترویج چهره‌ی خشن و خونریز از اسلام رقم زده است. این مسائل ضرورت انجام پژوهش حاضر را موجب گشته